



فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲

دکتر محمدجواد توکلی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۲

توکلی، محمدجواد، ۱۳۵۱ -
-Tavakoli, Mohammad Javad, 1972
فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲ / محمدجواد توکلی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
بازده، ۳۷۲ ص. جدول، نمودار - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۸۶: اقتصاد؛ ۴۹)
بها: ۲۳۰۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۳۵۵] - ۳۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. اقتصاد تطبیقی. ۲. Comparative economics. ۳. اسلام و اقتصاد. ۴. Islam--Economic aspects. ۵. اقتصاد--فلسفه.
۶. Economics--Philosophy. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. انتشارات.
HB۹۰
۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی
۹۲۱۲۷۶۴
ISBN:978-600-298-416-6



فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲

مؤلف: محمدجواد توکلی (دانشیار مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی علیه السلام)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایشی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۴۱۶-۶-۶

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱-ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نمایر: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

http://rihu.ac.ir/fa/book

مرکز بخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان متن درسی برای درس فلسفه تطبیقی ۲، بر اساس سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی تألیف شده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب دکتر محمدجواد توکلی و همچنین ناظر محترم، دکتر سیدهادی عربی تشکر و سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

فصل اول: هستی‌شناسی اقتصاد

مقدمه.....	۶
چیستی هستی‌شناسی اقتصاد.....	۶
قلمرو مطالعات هستی‌شناسی اقتصاد.....	۸
از هستی‌شناسی دئیستی تا هستی‌شناسی تکاملی.....	۱۰
الهیات دئیستی.....	۱۰
طبیعت‌گرایی.....	۱۴
رویکرد تکاملی.....	۱۶
پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد متعارف.....	۱۹
فردگرایی اتم‌وار.....	۱۹
عقلانیت اقتصادی.....	۲۰
نظم خودجوش بازار.....	۲۲
فردگرایی در برابر کل‌گرایی.....	۲۳
فردگرایی.....	۲۴
کل‌گرایی.....	۲۶
جایگاه نظریه انتخاب عقلایی در نظریه‌های اقتصادی.....	۲۸
بعد توصیفی و هنجاری عقلانیت اقتصادی.....	۲۸
عقلانیت در اقتصاد اثباتی و هنجاری.....	۳۱
شرایط انتخاب عقلایی.....	۳۳
سازگاری درونی.....	۳۳
بیشینه‌سازی نفع شخصی.....	۳۵
شرایط سه‌گانه انتخاب عقلایی.....	۳۷

پنج

۳۸	شرایط بهینگی.....
۳۹	شرایط سازگاری.....
۴۱	شرایط علی.....
۴۲	عقلانیت امیال و ترجیحات.....
۴۶	نسبت عقلانیت و اخلاق.....
۴۷	نقدهای نظریه انتخاب عقلایی متعارف.....
۴۹	جایگزین‌های نظریه انتخاب عقلایی؛ تأثیر پذیری انتخاب از نهادها.....
۵۰	عقلانیت محتوایی.....
۵۱	ساختارگرایی.....
۵۱	نظریه هنجارهای اجتماعی.....
۵۵	نظریه عقلانیت محدود.....
۵۶	محدودیت‌های انتخاب عقلایی.....
۵۷	محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات.....
۵۹	محدودیت‌های ذهنی در انتخاب.....
۶۱	محدودیت اراده و خودکنترلی.....
۶۲	محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی.....
۶۵	تأثیرپذیری انتخاب از نهادها.....
۶۶	واکنش نئوکلاسیک‌ها به رویکرد عقلانیت محدود.....
۶۸	نظم خودجوش بازار.....
۶۹	ماورای نظم خودجوش بازار.....
۷۱	علیت و گرایش‌های علی در اقتصاد.....
۷۲	پیدایش مباحث علی در اقتصاد.....
۷۴	تفاوت علیت و همبستگی.....
۷۶	گرایش‌های علی.....
۸۰	علیت دوطرفه نهادگرایان.....
۸۰	مکانیسم‌های اقتصادی.....
۸۳	نتیجه‌گیری.....
۸۴	پرسش‌های فصل.....
۸۵	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل دوم: هستی‌شناسی اقتصاد اسلامی

۸۸	مقدمه.....
۸۹	پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد اسلامی.....
۸۹	از طبیعت‌گرایی تا هستی‌شناسی توحیدی.....
۹۱	تعامل فردگرایی و کل‌گرایی.....

شش

۹۵	عقلانیت در اقتصاد اسلامی.....
۹۵	نقدهای اقتصاددانان مسلمان به نظریه انتخاب عقلایی.....
۹۹	جایگزین‌های نظریه انتخاب عقلایی در اقتصاد اسلامی.....
۱۰۰	نظریه‌های مطلوبیت‌گرایانه انتخاب عقلایی اسلامی.....
۱۰۰	بیشینه‌سازی سرجمع لذت دنیا و آخرت.....
۱۰۶	بیشینه‌سازی پاداش اخروی.....
۱۰۸	بیشینه‌سازی مقید.....
۱۱۲	نظریه‌های انتخاب عقلایی اسلامی غیرمطلوبیت‌گرایانه.....
۱۱۲	سازگاری با هنجارهای اسلامی.....
۱۱۶	بیشینه‌سازی رضایت الهی.....
۱۱۷	بیشینه‌سازی حسنات.....
۱۱۹	خیرخواهی و اشباع‌پذیری همراه با وابستگی مطلوبیت‌ها.....
۱۱۹	بیشینه کردن پاداش الهی در سایه عقلانیت تعدی.....
۱۲۱	عقلانیت هدایت‌یافته.....
۱۲۲	عقلانیت سه سطحی.....
۱۲۳	عقلانیت طیفی.....
۱۲۵	تحلیل نظریه‌های انتخاب عقلایی اسلامی.....
۱۲۷	از عقلانیت محدود تا عقلانیت تکامل‌یافته.....
۱۲۷	رویکرد اسلامی به عقلانیت محدود.....
۱۲۹	محدودیت‌های سه‌گانه عقلانیت در رویکرد اسلامی.....
۱۳۱	محدودیت‌های شناختی انتخاب.....
۱۳۲	محدودیت‌های انگیزشی.....
۱۳۵	محدودیت‌های ارادی.....
۱۳۶	رویکرد اسلامی در مواجهه با محدودیت‌های عقلانیت.....
۱۳۶	تقویت ابعاد شناختی بشر.....
۱۳۸	تغییر حسابداری ذهنی.....
۱۴۰	انگیزه‌سازی و ایجاد عادات رفتاری.....
۱۴۰	تعهدسازی درونی.....
۱۴۱	تذکر و تلنگر اجتماعی.....
۱۴۲	سنت‌ها و مکانیسم‌های اقتصادی و فرااقتصادی.....
۱۴۲	هدایت تکوینی و تشریحی.....
۱۴۴	سنت‌ها و قوانین اقتصادی.....
۱۴۶	قانونمندی‌ها و مکانیسم‌های اخلاقی.....
۱۴۷	علیت از نگاه اقتصاد اسلامی.....
۱۴۸	نتیجه‌گیری.....

هفت

۱۴۹	پرسش‌های فصل.....
۱۵۰	منابعی برای مطالعه بیشتر.....

فصل سوم: ارزش‌شناسی اقتصاد

۱۵۲	مقدمه.....
۱۵۳	مفهوم و قلمرو ارزش‌شناسی اقتصاد.....
۱۵۳	اهمیت مباحث ارزش‌شناسی اقتصاد.....
۱۵۶	سیر مباحث ارزشی در اقتصاد.....
۱۵۶	الف) از اقتصاد اخلاقی تا اقتصاد اخلاق‌گریز.....
۱۶۱	ب) تاریخچه تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری.....
۱۶۳	ج) رابطه اخلاق و اقتصاد.....
۱۶۳	اول. تعامل دانش اخلاق و اقتصاد.....
۱۶۴	دوم. رابطه نهاد اخلاق و اقتصاد.....
۱۶۵	مفهوم‌شناسی ارزش و سنخ‌شناسی کاربردهای آن در اقتصاد.....
۱۶۵	الف) مفهوم ارزش.....
۱۶۷	ب. تمایز ارزش و هنجار.....
۱۶۷	ج) رابطه ارزش و مطلوبیت.....
۱۷۲	د) انواع ارزش در اقتصاد.....
۱۷۴	اول. ارزش مصرفی و مبادله‌ای.....
۱۷۵	دوم. ارزش اخلاقی.....
۱۷۶	سوم. ارزش غایی و ابزارآری.....
۱۷۸	چهارم. ارزش ذاتی و غیرآری.....
۱۸۰	سوم. سلسله‌مراتب ارزش در اقتصاد.....
۱۸۱	ارزش‌باری نظریه‌های اقتصادی.....
۱۸۱	الف) عدم‌برابری تفکیک اقتصاد هنجاری اثباتی با ادعای اقتصاد عاری از ارزش.....
۱۸۳	ب) کانال‌های ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی.....
۱۸۵	ج) تمایز ارزش‌داوری و تحلیل ارزشی در نظریه اقتصادی.....
۱۸۷	د) انواع ارزش‌داوری در نظریه‌های اقتصادی.....
۱۸۷	ارزش‌داوری ابزارآری و غیرابزارآری.....
۱۹۰	ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی.....
۱۹۱	اول. ارزش‌داوری معرفتی.....
۱۹۲	دوم. ارزش‌داوری اخلاقی.....
۱۹۴	هـ) نظریه‌های ارزشی اقتصاددانان.....
۱۹۵	مفاهیم ارزشی نهفته در نظریه‌های اقتصادی.....
۱۹۵	الف) رفاه.....

هشت

۲۰۱	ب. کارایی.....
۲۰۶	ج. آزادی.....
۲۰۸	د. عدالت و برابری.....
۲۱۱	چرخه ورود ارزش ها در اقتصاد.....
۲۱۲	الف. فروض ارزشی.....
۲۱۳	ب. قضاوت ارزشی.....
۲۱۴	د. توصیه ارزشی.....
۲۱۵	ورود ارزش در اقتصاد اثباتی و هنجاری.....
۲۱۵	الف. ورود ارزش ها در اقتصاد اثباتی.....
۲۱۵	رویکرد فریدمن به ارزش خنثایی اقتصاد اثباتی.....
۲۱۶	از ارزش طبیعی تا ارزش اقتصادی.....
۲۱۸	اسب تراوای عقلانیت کانال ورود ارزش به اقتصاد اثباتی.....
۲۱۹	فرض عقلانیت و خروج انگیزه‌های اخلاقی در تحلیل های اقتصاد اثباتی.....
۲۲۳	تقابل خودگروری و دیگرگروری.....
۲۲۸	تحلیل کارکرد دست نامرئی اخلاق در اقتصاد.....
۲۲۹	ورود ارزش ها در اقتصاد اثباتی از کانال اقتصاد هنجاری.....
۲۲۹	ب. ورود ارزش در اقتصاد هنجاری.....
۲۳۰	فروض ارزشی اقتصاد هنجاری.....
۲۳۱	از تحلیل مهندسی تا تحلیل ارزشی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....
۲۳۵	مکتب اخلاقی در اقتصاد؛ ملاک ارزش‌دآوری اخلاقی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....
۲۴۱	رتبه‌بندی اهداف اقتصادی.....
۲۴۳	ج. ورود نظام‌مند ارزش ها در اقتصاد اثباتی و هنجاری.....
۲۴۵	ارزش‌های نهفته در نظریه عرضه و تقاضا.....
۲۴۶	الف. عقلانیت اقتصادی به‌مثابه یک فرض ارزشی.....
۲۴۸	ب. نگاه حاشیه‌ای به دیگرگروری.....
۲۴۸	ج. تأکید بر دست نامرئی بازار و غفلت از دست نامرئی اخلاق.....
۲۴۹	د. تعادل اقتصادی.....
۲۵۰	ارزش‌های نهفته در نظریه بازار رقابت کامل (آزادی، کارایی، عدالت).....
۲۵۴	ارزش‌های نهفته در اقتصاد رفاه.....
۲۵۸	الف) از مکتب اخلاقی تا توابع رفاه اجتماعی.....
۲۵۹	ب) خودگروری و دیگرگروری در اقتصاد رفاه.....
۲۵۹	ج) اصل حداقل خیرخواهی.....
۲۶۰	د) مفهوم کارایی در اقتصاد رفاه.....
۲۶۱	ه) مفهوم عدالت در اقتصاد رفاه.....
۲۶۳	و) ارزش آزادی در اقتصاد رفاه.....

۲۶۳ (ز) ارتباط بازار رقابت کامل و کارایی
۲۶۵ ارزش‌های نهفته در اقتصاد توسعه
۲۷۱ رفتارهای خیرخواهانه
۲۷۳ نتیجه‌گیری
۲۷۵ پرسش‌های فصل
۲۷۶ منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل چهارم: ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی

۲۷۷ مقدمه
۲۷۸ تاریخچه مباحث ارزشی در اقتصاد اسلامی
۲۷۸ الف) هویت اخلاقی اقتصاد اسلامی
۲۸۱ ب) رابطه اخلاق و اقتصاد اسلامی
۲۸۲ اول. رابطه دو سویه نهاد اخلاق و اقتصاد اسلامی
۲۸۳ دوم. رابطه اخلاق و عقلانیت اقتصادی
۲۸۴ سوم. رابطه دانش اخلاق و اقتصاد اسلامی
۲۸۵ چهارم. اخلاق هنجاری، حرفه‌ای و کاربردی اسلامی
۲۸۶ کارکرد اخلاق در اقتصاد اسلامی
۲۸۷ الف) از عقلانیت ناقص اقتصادی تا ضرورت اقتصاد اخلاقی
۲۸۸ ب) ساختار بندی اخلاقی اقتصاد اسلامی
۲۸۹ ج) رفتار اقتصادی به مثابه عملی عبادی
۲۹۰ د) کارکرد نهاد زکات در تزکیه اخلاقی عاملان اقتصادی
۲۹۲ ه) مکانیسم تسویه اخلاقی در اقتصاد اسلامی
۲۹۳ مفهوم‌شناسی ارزش در اقتصاد اسلامی
۲۹۴ الف) مفهوم ارزش
۲۹۶ ب) تمایزات مفهومی ارزش اقتصادی و اخلاقی
۲۹۶ اول. مشخصه‌های مفهومی ارزش اقتصادی
۲۹۷ دوم. عناصر محوری در مفهوم ارزش اخلاقی
۳۰۲ سوم. رابطه ارزش اقتصادی و اخلاقی
۳۰۳ د) رابطه ارزش و مطلوبیت (میل)
۳۰۶ ه) انواع ارزش در اقتصاد اسلامی
۳۰۶ اول. ارزش اقتصادی در برابر ارزش اخلاقی
۳۰۷ اول. ارزش غایی و ابزاری
۳۰۸ دوم. ارزش ذاتی و غیر-.....
۳۱۰ سوم. ارزش حقیقی و غیرحقیقی
۳۱۴ و) سلسله‌مراتب ارزش در اقتصاد اسلامی

۳۱۸	ارزش‌های محوری در اقتصاد اسلامی.....
۳۱۸	الف) حیات طیبه.....
۳۲۰	ب) رفاه.....
۳۲۰	ج).....
۳۲۰	کارایی.....
۳۲۱	د) آزادی.....
۳۲۵	ه) عدالت و برابری.....
۳۲۷	و) ارزش انسان و طبیعت.....
۳۲۸	ورود ارزش‌ها در علم اقتصاد اسلامی.....
۳۳۲	ورود ارزش‌ها در مکتب اقتصادی اسلام.....
۳۳۷	مکتب اخلاقی در اقتصاد اسلامی؛ ورود ارزش‌های اخلاقی در سیاست‌گذاری اقتصادی.....
۳۴۰	رتبه‌بندی اهداف اقتصادی.....
۳۴۵	چرخه ورود ارزش‌ها در مکتب و علم اقتصاد اسلامی.....
۳۴۶	الف) فروض ارزشی.....
۳۴۸	ب) قضاوت ارزشی.....
۳۴۹	د) توصیه ارزشی.....
۳۵۰	نتیجه‌گیری.....
۳۵۳	پرسش‌های فصل.....
۳۵۴	منابعی برای مطالعه بیشتر.....
۳۵۵	منابع.....

پیشگفتار

فلسفه اقتصاد یکی از حوزه‌های جدید مطالعاتی در اقتصاد است که به مطالعه درجه دوم و انتقادی نظریه‌های اقتصادی می‌پردازد. این دانش عهده‌دار تجزیه و تحلیل فلسفی و تاریخی روند نظریه‌پردازی در دانش اقتصاد می‌باشد. نتیجه این بررسی انتقادی درجه دوم، افزایش آگاهی اقتصاددانان نسبت به چگونگی تدوین نظریه‌های معتبر اقتصادی و بهبود روش‌های نظریه‌پردازی در دانش اقتصاد است.

کتاب فلسفه اقتصاد تطبیقی به بررسی دیدگاه‌های پایه‌ای و بنیادین اقتصاددانان نسبت به معرفت، هستی و ارزش به‌ترتیب در قالب مباحث معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی اقتصاد می‌پردازد. در این بررسی، مباحث فلسفه اقتصاد به‌صورت تطبیقی بین اقتصاد و اقتصاد اسلامی ارائه می‌شود. مباحث فلسفه اقتصاد تطبیقی در قالب دو جلد ارائه شده است: فلسفه اقتصاد تطبیقی ۱، جلد اول این کتاب است که به حوزه مباحث معرفت‌شناسی اقتصاد و اقتصاد اسلامی اختصاص دارد. معرفت‌شناسی اقتصاد ناظر به بررسی پیش‌فرض‌های شناخت‌شناسانه نهفته در ورای نظریات اقتصادی است. در کتاب فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲ مباحث هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی اقتصاد و اقتصاد اسلامی ارائه می‌شود. این اثر پس از تدوین کتاب مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد ارائه می‌شود که نگاهی اجمالی به مباحث فلسفه اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی داشت. در این کتاب سعی شده که مباحث با تفصیل بیشتری برای علاقه‌مندان به مباحث فلسفه اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی ارائه شود.

مباحث کتاب فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲ در قالب چهار فصل تنظیم شده است: فصل اول، به مباحث هستی‌شناسی اقتصاد اختصاص دارد؛ در فصل دوم، مباحث هستی‌شناسی اقتصاد

اسلامی ارائه می‌شود و فصل سوم، حاوی مباحث ارزش‌شناسی اقتصادی است؛ در فصل چهارم نیز مباحث ارزش‌شناسی اقتصادی اسلامی مطرح می‌شود. در این چارچوب، مباحث مرتبط با هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی اقتصاد و اقتصاد اسلامی با رویکردی تطبیقی، با توجه به تمایزات موجود، هم در حوزه نگرش‌های هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی و هم تفاوت میان دو حوزه دانشی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی بسط یافته است. با وجود استفاده از رویکرد مقایسه‌ای، مباحث مرتبط با هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی به تفکیک در قالب فصول مجزا بیان شده‌اند.

این کتاب براساس سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای خوشه فلسفه اقتصاد دوره کارشناسی اقتصاد نگاشته شده است. هرچند کتاب برای دانشجویان کارشناسی اقتصاد نوشته شده، ولی مباحث آن برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری اقتصاد و فلسفه اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی نیز قابل استفاده است. در تنظیم مطالب کتاب سعی شده مباحث با بیانی ساده و روان ارائه و کمتر از اصطلاحات پیچیده فلسفی استفاده شود؛ البته گاه چاره‌ای جز ورود به مباحث فلسفی نبوده و سعی شده با تعریف روشن اصطلاحات فلسفی، زمینه فهم بهتر مباحث فراهم شود.

از آنجاکه تدوین این اثر نتیجه تدریس در دوره‌های مختلف فلسفه اقتصاد در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام و دیگر مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده، ولی مباحث این اثر از نکته‌سنجی‌های استادان همکار و همچنین، دانش‌پژوهان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی تأثیر پذیرفته است. با گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم حجه الاسلام والمسلمین سیدعباس موسویان، لازم است از تمامی کسانی که در تدوین این کتاب نقش داشتند به‌ویژه حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سیدهادی عربی، ارزیاب محترم کتاب و نیز اعضای شورای علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه حجج اسلام والمسلمین حسن آقا نظری، دکتر سیدرضا حسینی، دکتر علیرضا لشکری، دکتر محمدحسین کرمی، دکتر محمدرضا یوسفی و همچنین، مسئولان پژوهشگاه به‌ویژه حجه الاسلام والمسلمین دکتر علیمحمد حکیمیان، ریاست محترم پژوهشگاه، تشکر نمایم. همچنین، از تلاش‌های جناب آقای سیدعلی طوسی نیز تشکر می‌کنم که با پیگیری‌های خود

پیشگفتار ۳

فرآیند تدوین و عرضه اثر را تسهیل کردند. بی‌شک، هیچ اثری خالی از اشکال نیست و امیدوارم خوانندگان محترم با ارائه نکات ارزشمند خود به بهبود کتاب در ویرایش‌های بعدی کمک کنند.

فصل اول

هستی‌شناسی اقتصاد

هدف کلی: این فصل به بررسی ابعاد هستی‌شناختی اقتصاد می‌پردازد که پیش‌فرض‌های وجودشناسانه نهفته در نظریه‌های اقتصادی شامل فروض انسان‌شناختی و جهان‌شناختی را تجزیه و تحلیل می‌کند.

اهداف رفتاری: انتظار آن است که دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند توضیحی برای مطالب زیر داشته باشد:

- ماهیت و کارکرد فروض هستی‌شناختی اقتصاد؛
 - پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی اقتصاد، مشکلات فروض هستی‌شناختی اقتصاد؛
 - فردگرایی، اتمیسم، دئیسم و رویکرد تکاملی؛
 - جایگاه انتخاب عقلایی در نظریات اقتصادی، لذت‌گرایی، مطلوبیت‌گرایی، نفع‌شخصی، ترجیحات، بیشینه‌سازی، ضعف‌های شناختی انسان، عقلانیت محدود، نقش نهادها در اقتصاد؛
 - دست‌نامرئی بازار، ناکارآمدی مکانیسم بازار، ضرورت توجه به مکانیسم‌های فرا-اقتصادی؛
 - ماهیت مکانیسم‌های اقتصادی، علیت در نظریه‌های اقتصادی.
- واژگان کلیدی: هستی‌شناسی اقتصاد، انسان‌شناسی اقتصادی، انسان اقتصادی، عقلانیت اقتصادی، مکانیسم‌های اقتصادی، علیت در اقتصاد.

مقدمه

دانش اقتصاد براساس نگرش خاصی نسبت به هستی بنا شده است. رویکرد هستی‌شناختی و به‌بیان دقیق‌تر، رویکرد وجودشناختی (انتولوژیک) اقتصاددانان، نگاه آنان به جهان هستی، انسان و خالق جهان را منعکس کرده و به‌تبع آن نظریه‌های آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمایل اقتصاددانان به داشتن نگاهی طبیعت‌گرایانه نسبت به جهان هستی، و نگاه عقلانی به عاملان اقتصادی از جمله مهم‌ترین رویکردهای هستی‌شناسانه اقتصادی است که بر بسیاری از نظریه‌های اقتصادی اثر گذاشته است. بوکانان در تحلیل راهگشای خود، اتمیسم (فردگرایی)، عقلانیت اقتصادی و دست‌نامرئی بازار را به‌عنوان سه فرض هستی‌شناختی اقتصاد متعارف معرفی کرده است.

مبانی هستی‌شناسی اقتصاد در گذر زمان دچار تحولاتی شده است؛ این تحولات زمینه تغییر نظریه‌های اقتصادی را نیز فراهم کرده است. برای نمونه، اقتصاددانان تکاملی با اقتباس هستی‌شناسی داروینی نظریه‌های خود را در مورد تحولات نهادهای اقتصادی شکل داده‌اند. آنان با پذیرش این مبنا، تحولات نهادی را در قالب رقابت نهادهای اقتصادی در تنازع بقا تبیین کرده‌اند. چنین تحلیلی به‌صورت‌خاص در قالب نظریات اقتصاد تکاملی بروز و ظهور یافته است. در این فصل پس از تبیین مفهوم و قلمرو هستی‌شناسی اقتصاد به بررسی تغییرات رویکردهای هستی‌شناختی در اقتصاد پرداخته می‌شود. در ادامه، سه فرض هستی‌شناختی طبیعت‌گرایانه در اقتصاد یعنی فردگرایی اتم‌وار، عقلانیت اقتصادی و نظم خودجوش بازار تبیین می‌شود. بخش‌های بعدی فصل به تبیین مفصل هر یک از این فروض سه‌گانه اختصاص دارد. بحث از علیت و مکانیسم‌های اقتصادی، بخش پایانی فصل را تشکیل می‌دهد.

چیستی هستی‌شناسی اقتصاد

هستی‌شناسی اقتصاد به بررسی تعهدات وجودشناسانه‌ای^۱ می‌پردازد که در چینه نگاه اقتصاددانان به دنیای واقع را شکل می‌دهد.^۲ این تعهدات، دیدگاه‌ها و باورهای پایه‌ای، اساسی،

1. Ontological commitment

2. Uskali Maki, «Economic Ontology: What? Why? How?», in: *The Economic World View; Studies in the Ontology of Economics*, p.4–5, 18.

و عمدتاً تغییری ناپذیری را شکل می‌دهند که مبنای توجیه دیگر دیدگاه‌های اقتصاددانان قرار می‌گیرند.^۱ پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی^۲ می‌توانند مرزهای دانش اقتصاد را مشخص کنند و مبنای عضویت در جامعه اقتصاددانان قلمداد شوند.^۳ براساس این، پذیرش در جامعه اقتصاددانان مستلزم آن است که از زاویه «دریچه» هستی‌شناختی مشترک آنان به دنیا نگاه شود.^۴

جیمز بوکانان تلقی روشنی از مبانی هستی‌شناسی اقتصاد متعارف دارد. به نظر او خودمختاری فردی،^۵ عقلانیت انتخاب^۶ و هماهنگی خودجوش بازار^۷ سه فرض هستی‌شناسانه اقتصاد متعارف است. این فروض چگونگی نگاه اقتصاددانان به جهان را مشخص می‌کند. به نظر وی «اگر مشارکت‌کنندگان در یک گفتگوی علمی بخواهند تلاش‌شان مورد توجه قرار گیرد، نباید از درگاه آغازین عدول کنند... اصل هماهنگی خودجوش بازار یکی از اصول دانش ما می‌باشد».^۸

اوسکالی مکی (۲۰۰۱) در ضمن تبیین دیدگاه بوکانان به ضمنی بودن^۹ تعهدات هستی‌شناختی اشاره می‌کند. به نظر او، اقتصاددانان به‌ندرت دریچه‌های هستی‌شناختی خود (درگاهی که از آن به دنیا نگاه می‌کنند) را معرفی می‌کنند و اساساً بیان صریح این امور از جمله دغدغه‌های اقتصاددانان محسوب نمی‌شود. بوکانان معتقد است «فرآیندی که طی آن افراد بین دریچه‌ها(ی ممکن) انتخاب می‌کنند، مرموز و رازآلود است».^{۱۰}

1. Ibid, p. 5.

2. Ontological presuppositions

3. Ibid, p. 18.

4. Ibid, p. 5.

5. Individual autonomy

6. Rationality of choice

7. Spontaneous market coordination

8. James M. Buchanan, «The economics and the Ethics of Constitutional Order», in: Uskali Maki *Economic Ontology, What? Why? How?*, p.14, 22.

9. Implicitness.

10. Uskali Maki, «Economic Ontology: What? Why? How?», in: *The Economic World View; Studies in the Ontology of Economics*, p.18

مکی یکی از اهداف مطالعات هستی‌شناسانه خود را بیان صریح دریچه‌های هستی‌شناختی اقتصاددانان و همچنین شناخت فرایند انتخاب آن می‌داند. به نظر او، لازمه آشکارسازی این فروض آن است که به جای اینکه از درون دریچه‌های هستی‌شناختی به جهان نگاه کنیم به خود این دریچه‌ها نظر بیندازیم. هدف او این است که به پژوهشگران دانش اقتصاد کمک کند تا نسبت به محدودیت‌های پایه‌ای تحمیل شده بر آن چیزی آگاه باشند که در فضای علمی دنبال می‌کنند. هدف بلندپروازانه‌تر این است که به اقتصاددانان در انتخاب ساختارهای کاملاً مستدل، و به بیان دیگر در انتخاب معقول چارچوب ساختاری کمک کنیم که در آن فعالیت می‌کنند یا دریچه‌هایی که از خلال آن به جهان نگاه می‌کنند و یا دست‌کم به آنها کمک کنیم که نسبت به آن چارچوب‌ها آگاه باشند و استدلال‌هایی برای ساختارهایی شکل دهند که برای فعالیت پذیرفته‌اند؛ چه این امر ناشی از انتخاب باشد یا شاید به‌عنوان یک فرآیند علمی وابسته به مسیر گذشته^۱ باشد. امکان انتخاب ساختارها مستلزم این است که ساختارهای هستی‌شناختی ثابت نباشند؛ یعنی بتوان به دلخواه آنها را تغییر داد؛ تغییری که ممکن است بدون تأمل صورت گیرد.

قلمرو مطالعات هستی‌شناسی اقتصاد

مطالعات هستی‌شناسی اقتصاد عهده‌دار بررسی تمامی پیش‌فرض‌های وجودشناسانه اقتصاددانان در مورد هویت جهان هستی، منشأ خلقت، مکانیسم‌های کارکردی جهان هستی، مکانیسم‌های علی و هویت وجودی انسان می‌شود. گاه مباحث مرتبط با هستی‌شناسی اقتصاد با تفکیک بین مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی ارائه می‌شود. چنین تفکیکی محصول تفکیک بین وجودهای مختلفی است که نظریه اقتصادی بدان توجه دارد. در ادبیات فلسفه اقتصاد به‌طور معمول چنین تفکیکی نمی‌شود و تمامی مباحث وجودشناسانه در قالب مباحث هستی‌شناسی اقتصاد ارائه می‌شود. این رویه از این جهت مناسب است که مانع از انحراف مباحث به موضوعات غیر وجودشناسانه می‌شود.

آنچه ما به‌عنوان هستی‌شناسی اقتصاد متعارف مطرح می‌کنیم، ناظر به دیدگاه‌های پایه وجودشناسانه‌ای است که بر نظریه‌های اقتصادی تأثیرگذار است. اقتصاددانان جریان غالب فکری پیش از ورود به نظریه‌پردازی تلقی خاصی از جهان، منشأ آن و تحولاتش دارند. در اوایل

1. Path-dependent.

شکل‌گیری اقتصاد کلاسیک، دنیسم به‌عنوان رویکردی مبدأشناختی همراه با رویکرد طبیعت‌گرایانه زمینه‌ساز تمایل به بازار آزاد خودتنظیم‌گر را فراهم کرد. بعدها جهت‌گیری از دنیسم به لائیسیم (نفی خلقت و خالق) تغییر کرد و دیدگاه طبیعت‌گرایانه تقویت شد. با ورود هستی‌شناسی داروینی به اقتصاد متعارف، رویکرد تکاملی^۱ به جهان هستی، نظریه‌های اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار داد. گسترش تحلیل‌های تکاملی در اقتصاد نهادی از جمله پیامدهای پذیرش پیش‌فرض تکاملی در هستی‌شناسی اقتصاد متعارف است.

دیدگاه‌های وجودشناسانه اقتصاد متعارف در مورد انسان نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا رویکرد غالب تبیین انتخاب انسان است. مشخص است که تلقی پذیرفته‌شده از انسان مورد بررسی، تحلیل‌ها از انتخاب او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که در اقتصاد متعارف نگاهی فردگرایانه و اتم‌وار به انسان شده و تصویری انتزاعی از او با عنوان انسان اقتصادی^۲ ارائه می‌شود، نظریه‌های رفتار تولیدکننده و مصرف‌کننده در اقتصاد خرد به دنبال این تصویر از انسان عقلایی شکل می‌گیرد. هنگامی که اقتصاددانان نهادی با تصحیح رویکرد انتزاعی خود از نظریه عقلانیت محدود^۳ دفاع کردند، این برداشت از انسان باعث تغییر در نظریه‌های اقتصادی شد و زمینه ظهور نظریه‌های اقتصاد رفتاری^۴ را فراهم کرد؛ نظریه‌هایی که در آن عقلانیت انسان کامل فرض نمی‌شود.^۵

نگاه هستی‌شناسانه اقتصاد متعارف به مکانیسم‌های فعال در اقتصاد و به‌ویژه رویکرد آنها نسبت به مکانیسم‌های علی نیز بر نظریه‌های اقتصادی اثرگذار است. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک با فرض دست نامرئی بازار به‌عنوان یک مکانیسم فعال در اقتصاد، تحلیل‌های کارکردی خود را ارائه می‌دهند. از نظر آنها، اگر بازار آزاد گذاشته شود، مکانیسم بازار باعث ایجاد تعادل در اقتصاد شده و به تبع منافع فروشندگان و خریداران تأمین می‌شود. در واقع، نظم خودجوش بازار یکی از فرض‌های هستی‌شناسانه مهم اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک است

1. Evolutionary Approach.

2. Economic Man.

3. Bounded rationality.

4. Behavioral economics.

۵. ر. ک: محمد جواد توکلی، «چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴۰۰، شماره ۲۶، ص ۱۸۶-۱۹۴.

که به نظریه‌های اقتصادی آنها به‌ویژه نظریه تعادل اقتصادی جهت می‌دهد. تشکیک در نظم خودجوش بازار باعث پیدایش نظریه شکست بازار^۱ در ادبیات اقتصادی شده است.

از هستی‌شناسی دئیستی تا هستی‌شناسی تکاملی

رویکرد مبدأشناسانه اقتصاد متعارف (انگاره رایج نسبت به مبدأ خلقت) به‌تدریج تغییر کرده است. با شکل‌گیری اقتصاد کلاسیک، دئیسم به‌عنوان رویکرد الهیاتی مورد پذیرش مطرح شده است. با قوت‌گیری اندیشه‌های داروینی در اقتصاد، انگاره هستی‌شناسی تکاملی بسیاری از نظریه‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است.

الهیات دئیستی

تفکر دئیستی نخستین بار در پایان قرن شانزدهم در مسیحیت به‌وسیله کالوینست‌ها در انگلستان رواج یافته است. اندیشه دئیسم در اوایل قرن هفدهم در انگلستان به‌وسیله ادوارد هربرت مطرح شده و به‌سرعت به‌دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی گسترش یافته است. افرادی چون ولتر (۱۷۷۸-۱۶۹۴) و ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) از این مکتب تأثیر پذیرفته‌اند.^۲

پیرو ویرت،^۳ پیشوای جنبش کالوینیستی، در کتاب «ساختار مسیحیت»^۴ دئیسم را این‌گونه معرفی می‌کند: «کسانی که به خداوند به‌عنوان خالق زمین و بهشت اعتقاد دارند؛ اما منکر عیسی مسیح و تعالیم او می‌باشند».^۵ واژه دئیسم به‌لحاظ مفهومی در طول تاریخ دچار دگرگونی زیادی شده است؛ اما از قرن بیستم به بعد دئیسم فقط به مکتبی اطلاق می‌شود که مخالف و ضد مکتب توحیدی و خداپرستی (اعتقاد به وجود خدای یکتا، دارای نفوذ کامل در سرتاسر جهان که به‌طور فعال در امور جهان دخالت می‌کند) است. براساس این فلسفه، خداوند جهان را آنچنان آفریده که به‌صورت خودکار عمل می‌کند. جهان براساس سازوکار و قانونمندی

1. Market failure.

۲. حسین نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۲۶.

3. Pierre Viret.

4. Instruction chétienne.

۵. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۵۰.

خاصی که در آن به ودیعت گذاشته شده، به صورت منظم به کار خود ادامه می‌دهد و نیازی به دخالت خداوند ندارد؛ زیرا قوانین طبیعی که به وسیله او در طبیعت گنجانده شده، چنان امور را منظم به پیش می‌برند که به صورت خودکار بهترین وضعیت به وجود می‌آید.^۱ خداوند در نگرش دئیستی معمار بازنشسته است.^۲ اصول مکتب دئیسم را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

– خدا در مرتبه علّت اولی جهان را آفرید؛

– خداوند قوانین تغییرناپذیری را آفریده که اداره جهان به وسیله آنها صورت می‌گیرد؛

– خداوند به هیچ وجه در جهان نافذ مطلق نیست؛ بلکه او همچون ساعت‌سازی است که آن را ساخته و به حرکت درآورده و سپس رهاش کرده است که خود به صورت منظم به کار خود ادامه دهد و دیگر در امور آن دخالت نمی‌کند؛

– وظیفه اصلی و اساسی زندگی انسان در این جهان تطبیق تمامی رفتارهای خود با قوانین طبیعی جهان است. از این رو، انسان در تنظیم زندگی فردی و به وجود آوردن نظام‌های اجتماعی خود به هدایت خداوند و تعالیم پیامبران هیچ نیازی ندارد؛ بلکه او می‌تواند با کمک گرفتن از قوانین بشری و کشف قوانین حاکم بر طبیعت و رفتار انسان‌ها به تنظیم زندگی خود پردازد.^۳

یکی از پیامدهای آموزه خداشناسی دئیستی، اندیشه هماهنگی کامل مشیت الهی با سازوکارهای نظام طبیعی است. براساس این، هر کاری که هماهنگی بیشتری با نظام طبیعی داشته باشد، با خواست و مشیت الهی هماهنگ‌تر است. بر این مبنا، عملکرد هر فرد و در نتیجه کل جامعه اقتصادی، به خودی خود به گونه‌ای است که اراده الهی اقتضا می‌کند. همان زمان که فرد نفع شخصی خود را پی می‌گیرد، اراده الهی را جاری کرده و نفع جمعی را نیز رقم می‌زند.^۴ از این رو، هرگونه دخالتی در این فرآیند، مخالف مشیت الهی و غایت خلقت انسان است.

دئیسم^۵ (الهیات طبیعی) اندیشه‌ای بود که پس از رنسانس جایگزین اندیشه مذهبی پیش‌از آن شد. پیش از رنسانس (نوزایی)، خداوند هم آفریدگار و مبدع جهان و هم پروردگار و

۱. همان.

2. Retired architect

۳. علی اصغر هادوی‌نیا، معنویت و اقتصاد (مقایسه تطبیقی بین نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری)، ص ۳۲.

۴. رک: حسین نمازی، «مقایسه تأثیر آموزه‌ی خداشناسی در شکل‌گیری اصول نظام اقتصاد اسلام و سرمایه‌داری»، فصلنامه اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، شماره ۲.

5. Deism.

تدبیرگر نظام هستی قلمداد می‌شود. پس از رنسانس و به دلیل نارسایی آموزه‌های کلیسا،^۱ اندیشه دئیسم به تدریج قوت گرفت. واژه دئیسم در قرن هفده و هجده تطوراتی یافت؛ اما در قرن نوزده و بیست، صرفاً برای الهیاتی در نظر گرفته می‌شود که منکر نفوذ کامل خداوند در جهان و دخالت فعال او در امور دنیا است.^۲ اتکا به خرد انسانی به جای وحی، و نفی ارتباط خدا با عالم طبیعت پس از خلقت، و در نتیجه، جدا شدن انسان از آموزه‌های انسان‌ساز ادیان الهی، از ویژگی‌ها و پیامدهای حاکمیت این اندیشه است.^۳

بر اساس فلسفه دئیسم، خداوند منشأ جهان هستی است. وی طبیعت را، چنان قانونمند، هستی بخشیده که به صورت خودکار به حیات خود ادامه می‌دهد. نتیجه چنین اصلی، طبیعت‌گرایی^۴ یا حاکمیت قوانین طبیعی بر امور عالم و از جمله جوامع انسانی است؛ زیرا با نفی تدبیر و ربوبیت الهی در امور جهان، اعتقاد به حاکمیت قوانین طبیعی جایگزین آن می‌شود.^۵ رهاورد این دو اصل، آزادی اقتصادی، رهایی از تمام قیود محدودکننده فرد، و جدایی اقتصاد از اخلاق متعالی و ارزش‌های والای انسانی بود.^۶

با تحولات فکری سده هفدهم و هجدهم در اروپا و پیدایش دئیسم، این رویکرد مبنای فکری مکتب اقتصادی طبیعت‌گرایی (فیزیوکراسی) و به تبع آن، مکتب کلاسیک قرار گرفت. طبیعت‌گرایان (فیزیوکرات‌ها) نظام طبیعی را منعکس‌کننده مشیت خداوندگار دانسته و نتایج برخاسته از آن را نیز وضعیت بهینه می‌پنداشتند. آدام اسمیت و دیگر کلاسیک‌ها نیز بر این باور بودند که با وجود «دست نامرئی» که در طبیعت، نظم اجتماعی از طرف خدا به ودیعت گذاشته شده است، نیازی به قوانین تشریحی یا مداخله دولت‌ها در اقتصاد نمی‌باشد. این اصل تأثیر زیادی در شکل‌گیری اصول نظام سرمایه‌داری و علم اقتصاد متعارف، از قبیل تعادل خودکار و

۱. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چ ۳، ص ۲۵؛ مرتضی مطهری، علل گرایش به مادبگری، چ ۱۶، ص ۵۵-۷۲.

۲. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم)، ترجمه جلال‌الدین اعلم، ص ۱۷۹.

۳. ایان باربور، علم و دین، چ ۳، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۷۵-۷۶؛ لوسین گلدمن، فلسفه روشنگری، ترجمه شیوا کاویانی، ص ۷۲-۷۵؛ (میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، ۱۳۷۸، ص ۳۳-۳۷).

4. Naturalism.

۵. فریدون تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی، چ ۴، ص ۷۰ و ۸۶.

۶. جواد ایروانی، «بررسی مبانی و عوامل رابطه‌ی اخلاق با اقتصاد در سرمایه‌داری و اسلام»، در: اخلاق و اقتصاد اسلامی، ص ۹۸.

عدم‌مداخله دولت در اقتصاد ایفا کرده است. براساس این دیدگاه، مکانیسم بازار بدون نیاز به هیچ نیروی خارجی ماورایی (قانون‌گذاری و تشریح الهی) یا زمینی (دولت) به تعادل خودکار می‌انجامد که بهترین وضع ممکن است و هر نوع مداخله‌ای، صرفاً به‌دور شدن از وضعیت بهینه منجر خواهد شد.^۱

در ادامه، تفکر دئیستی به سکولاریسم بدل شد. سکولاریسم حاکی از جدایی دین از همه عرصه‌های اجتماعی، از جمله اقتصاد و برتری رویکردهای انسان‌گرایانه (اومانستی) در تمدن غرب است. تاریخ انسان‌گرایی (اومانیسم) نشان می‌دهد که اصالت دادن به انسان در برابر اصالت دادن به خدا موجب می‌شود انسان‌گرایان گام‌به‌گام به سوی سکولاریسم رانده شوند. تفسیر جدید از خدا و آموزه‌های دینی که افرادی همچون لوتر در مکتب پروتستان ارائه کردند، باعث روی آوردن به دئیسم و دین طبیعی شد. براساس این، آنان خدا را پذیرفته، ولی منکر مداخله او و نیز ادیان آسمانی از جمله مسیحیت در امور اجتماعی شدند. شکاکیت در دین خدا از سوی افرادی مانند هاکسلی^۲ و سرانجام انکار کامل دین و خدا از سوی فوئرباخ^۳ و مارکس^۴ مرحله‌ای است که جنبش انسان‌گرایی برای تحقق سکولاریسم پیموده است.^۵

نقطه‌نهایی حذف دین از شئون زندگی از جمله اقتصاد، نفی وجود خدای ساعت‌ساز و متوسل شدن به نظریه‌های تکاملی داروینی است. رویکرد تکاملی می‌تواند توجیهی برای نفی خدا در هستی و تبیین چگونگی پیدایش و تحول نظام آفرینش باشد؛ هرچند مستلزم آن نیست. پذیرش این رویکرد در اقتصاد در قالب اقتصاد نهادی و تکاملی نمایان شد؛ البته اقتصاد نهادی و تکاملی، همان‌گونه که بیان خواهد شد، ظرفیت‌های تحلیلی جدیدی را در اقتصاد به پیش برده که الزاماً مستلزم نفی خدا و دین نیست. در این رویکرد تحلیل تحولات نهادی از جمله تغییر در هنجارهای حاکم بر رفتار اقتصادی صرف‌نظر از برخی گرایش‌های الحادی داروینی گسترش یافته است.

۱. حسین نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۱۴.

2. Huxley.

3. Bach.

4. Marx.

۵. جواد ایروانی، «بررسی مبانی و عوامل رابطه‌ی اخلاق با اقتصاد در سرمایه‌داری و اسلام»، در: اخلاق و اقتصاد اسلامی، ص ۱۰۱.

طبیعت‌گرایی

اقتصاد متعارف پیوندی ناگسستنی با طبیعت‌گرایی به‌عنوان نگاهی هستی‌شناسانه به نظام اقتصادی دارد. طبیعت‌گرایی ابتدا در قالب مکتب طبیعت‌گرایی (فیزیوکراسی) و سپس مکتب کلاسیک وارد اقتصاد شد. طبیعت‌گرایی^۱ با گسترش افکار طبیعت‌گرایانه در قرن هفده و هجده هم‌زمان با پیشرفت علم و تکنولوژی مکانیک در دنیای غرب به‌وجود آمد. این نخستین مکتب اقتصادی است که به‌بیان علمی قواعد اقتصادی پرداخته و بیشترین نقش را در شکل‌گیری اصول اولیه اقتصاد سرمایه‌داری دارد. فیزیوکراسی (طبیعت‌گرایی) به‌معنای سیطره طبیعت، از واژگان physis (طبیعت) و kratos (قدرت) گرفته شده است.^۲

طبیعت‌گرایی ابتدا به‌وسیله دکتر «کنه» در تابلوی اقتصادی‌اش به‌تصویر کشیده شد. او جریان اقتصاد در جامعه را به جریان خون در بدن تشبیه کرد که به‌صورت خودکار و بدون نیاز به دخالت از بیرون به‌فعالیت خود ادامه می‌دهد. طبیعت‌گرایان، اقتصاد را جزئی از نظام طبیعی و تابع قوانین آن می‌دانستند و معتقد بودند اعمال اقتصادی مانند اعمال فیزیکی به مجموعه‌ای از قوانین تغییرناپذیر طبیعی وابسته است.^۳ طبیعت‌گرایان و در رأس آنها دکتر کنه به تأسی از «نیوتن»^۴ سعی داشتند جهان انسانی و جهان طبیعی را یکسان جلوه دهند؛ از این‌رو همان‌گونه‌که نیوتن قانون جاذبه را برای زمین کشف کرد، کنه مدعی شد که نفع شخصی^۵ همان نقش جاذبه را در اقتصاد بازی می‌کند.

پس از طبیعت‌گرایان، آدام اسمیت نیز اجتماع را همانند ماشینی عظیم می‌پندارد که نفع‌طلبی، میل‌لنگ اصلی آن است. اسمیت تقسیم کار در جامعه، پیدایش پول، کیفیت توسعه، افزایش سرمایه، تطابق عرضه و تقاضا، تنظیم جمعیت و تطابق حجم پول با دادوستد بازار را بر

1. Phycratism.

۲. دوران رواج این مکتب سال ۱۷۵۸ هم‌زمان با «تابلوی اقتصادی» دکتر کنه تا سال ۱۷۷۶ تاریخ انتشار کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت بوده است.

۳. (تفضلی، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

۴. نیوتن با پی‌ریزی علم مکانیک و کشف قانون جاذبه و حرکت زمین بر این عقیده بود که جهان همچون ماشینی پیچیده‌ای است که قوانین تغییرناپذیر و جهان‌شمولی بر آن حاکم است و به‌صورت خودکار پیش می‌رود.

5. Self intrest.

مبنای طبیعت‌گرایی و اندیشه خودترمیمی طبیعی توجیه کرد.^۱ او بر این باور بود که خیربودن بنیادهای اقتصادی با طبیعی‌بودن آنها ارتباط تنگاتنگی دارد.^۲ از این رو، اسمیت بنیان نظریه‌های خود را بر مضموم‌بودن دخالت دولت در اقتصاد پایه‌گذاری کرد. به نظر او، اقتصاد عاری از دخالت دارای نظم طبیعی و خودجوش است و در چنین فضایی دست نامرئی طبیعت همیشه باعث تعادل خودکار در اقتصاد می‌شود. اسمیت بارزترین نمونه این دست نامرئی را به تعادل رسیدن خودکار عرضه و تقاضا در بازارها می‌داند. این جمله اسمیت مشهور است: «جهان به خودی خود پیش می‌رود و در تشکیل و تنظیمش نیازی به مداخله هیچ اراده جمعی و هم‌داستانی قبلی افراد بشر نیست».^۳

فردریش هایک^۴ از دست نامرئی طبیعت، که آدام اسمیت به کار می‌برد، به‌عنوان «نظم خودجوش» یاد می‌کند. هایک آشکارا می‌نویسد: عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی سرابی بیش نیست؛ زیرا عملکرد نظم‌های اجتماعی خودجوش امری طبیعی است و به قصد و اراده افراد بستگی ندارد؛ از این رو نمی‌توان آنها را به صفت عادلانه و یا ظالمانه‌بودن متصف کرد؛ همان‌گونه که پدیده‌های طبیعی مانند زلزله و سیل را نمی‌توان این‌گونه وصف کرد. براساس این، نظم حاکم بر بازار را در صورت عدم دستکاری‌های بیرونی مانند دخالت دولت، نمی‌توان عادلانه یا ناعادلانه خواند. او می‌نویسد: اصولاً سخن گفتن از عادلانه‌بودن یا نبودن در حیطه مسائل اقتصادی، بی‌معنا و به‌تعبیر خود هایک، فاقد مضمون منطقی معتبر است.^۵

بر مبنای هستی‌شناسی طبیعت‌گرایانه، پابندی به نظم تکوینی خودجوش بازار، اقتصاد را به تعادل می‌رساند. از این رو، بهترین راهکار برای به تعادل رسیدن اقتصاد، مداخله نکردن و آزادی مطلق تجارت است. براساس این رویکرد، همان‌طور که طبیعت براساس قوانین طبیعی نیاز به

۱. ر. ک: آدام اسمیت، ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده؛ سید حسین میرمعزی، نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۲.

۲. شارل ژید و شارل ریست، تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۱، چ ۴، ص ۱۰۶.

۳. همان، ص ۱۰۷.

4. Friedrich August Von Hayek

۵. موسی غنی‌نژاد، «سراب عدالت از دیدگاه هایک»، نامه فرهنگ، شماره ۱۰-۱۱، ص ۴۴-۴۹؛ موسی غنی‌نژاد، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، ص ۲۳۹.

مداخله ندارد و از تعادل خودکار برخوردار است، اقتصاد نیز براساس قوانین طبیعی مکانیسم بازار دارای تعادل خودکار بوده و نیازی به مداخله دولت ندارد.^۱

رویکرد تکاملی

هستی‌شناسی تکاملی،^۲ که مدیون نظریه‌های زیست‌شناختی داروینی در اواسط قرن نوزدهم میلادی است، با فراتر رفتن از اندیشه‌های دئیستی (خدای ساعت‌ساز بازنشسته) و طبیعت‌گرایانه، مکانیسم جدیدی برای تبیین تحولات زیستی ارائه می‌کند. این رویکرد، جهان و انواع زیستی آن را محصول تنازع بقا و انتخاب طبیعی قلمداد می‌کند؛ بدون آنکه نیازی به وجود طراحی هوشمند یا تدبیر پیشین باشد. داروین علت وجود انواع موجودات را صرفاً چنین می‌دانست که آنها تنازع بقا را از سرگذرانده و جان سالم به در برده‌اند.^۳

اندیشه‌های تکاملی داروین تنها بر زیست‌شناسی تأثیرگذار نبود؛ بلکه اقتصاد را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد. این رویکرد به صورت خاص در اقتصاد نهادی بروز و ظهور پیدا کرد. نهادگرایان برای تبیین چگونگی تحول نهادها به رویکرد تکاملی اقبال نشان دادند. براساس این رویکرد، نهادها نیز درگیر نوعی تنازع بقا می‌باشند و نهادی باقی می‌ماند که بتواند در این جنگ بقا موفق باشد. در این زمینه استدلال‌های نهادگرایان بر تشبیه تعاملات اقتصادی به تعاملات زیستی و تلاش ارگانیزم‌ها برای بقا و حفظ سیطره ژن‌های خود مبتنی می‌باشد.^۴

ظهور نظریه تکامل در اقتصاد بیش از آنکه نتیجه پذیرش فروض انسان‌شناختی نظریه تکاملی زیست‌شناسی باشد، نتیجه استفاده از آن به عنوان الگویی برای تبیین پدیده‌های اقتصادی است. براساس این، انسان و ویژگی‌هایش محصول تکامل تلقی نمی‌شود؛ بلکه از فرضیه تکاملی زیست‌شناختی به عنوان الگویی (ابزار یا منظری) برای تبیین پدیده‌های اقتصادی همچون رشد و

۱. حسین نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۴۲.

2. Evolutionary Ontology.

۳. ر. ک: فرح رامین، «تکامل‌گرایی الحادی در بوته نقد»، الهیات تطبیقی، ۱۳۸۹، شماره ۱، ص ۳۷-۵۸.

۴. ر. ک: روح الله حمیدی مطلق و جواد ناصر بخت، «ظهور اقتصاد تکاملی و تحول در رویکردهای سیاست‌گذاری فناوری و صنعتی»، سیاست‌نامه علم و فناوری، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۴۲؛ مایکل جی. رزیک، «همیلتون، فارستر، و بنیانی برای اقتصاد تکاملی»، برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۳۸۶، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۸۵-۱۵۴.

توسعه استفاده می‌شود؛ البته برخی از تفاسیر مکتب اقتصاد تکاملی، آن‌گونه‌که وایت (۲۰۰۸) بیان می‌کند، بر نظریه تکامل داروین متکی است و از آن برای تبیین رفتارهای اقتصادی و تحول نهادهای اقتصادی استفاده می‌شود؛ اما دیگر تفاسیر چنین پیش‌فرضی را مطرح نکرده و یا آشکارا آن را رد می‌کنند. به نظر وایت، طرفداران اقتصاد تکاملی به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که اقتصاددانان چگونه می‌توانند از ابزارهای تحلیلی به دست آمده از تکامل در زیست‌شناسی استفاده کنند.^۱

رویکرد تکاملی در اقتصاد به‌عنوان واکنشی به اشکالات مکتب نئوکلاسیک از دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. هلموت آرنست (۱۹۹۴)، سابقه اندیشه اقتصاد تکاملی را در آثار آدام اسمیت، ریکاردو و درادامه در نوشته‌های مکاتب تاریخی آلمان و نهادگرایی آمریکا می‌بیند.^۲ نلسون^۳ و وینتر^۴ (۱۹۸۲) رویکرد تکاملی را در حوزه اقتصاد خرد مطرح کرده و بنیادی به نام مدل‌های کارآفرینی شومپیترینی بنا نهادند. شومپیتر با ارائه دو نظریه «سیکل‌های بلند توسعه اقتصادی» و «تخریب سازنده» زمینه بسیاری از مباحث اقتصاد تکاملی ناظر به تحولات فناورانه در صنعت و تبیین نقش نوآوری در توسعه را ایجاد کرد. رومر^۵ (۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۹۰) و لوکاس^۶ (۱۹۹۸) با بهره‌مندی از تحلیل‌های تکاملی در اقتصاد کلان، مدل درون‌زای رشد را توسعه دادند. الکساندر روزنبرگ با استفاده از نظریه تکامل داروین تلاش کرد تا پویایی اقتصاد سرمایه‌داری را با رویکرد تکاملی و با توجه ویژه به دو عامل آزادی عمل افراد و امکان آزمون و خطا توضیح دهد.^۷

در اقتصاد تکاملی همه‌چیز در یک دنیای اقتصادی در حال تغییر (کمی و کیفی) با روندی غیرتعادلی (نه همراه با یک تعادل ثابت) در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، عواملان

1. Ulrich. Witt, «What is specific about evolutionary economics?», *Journal of Evolutionary Economics*, 2008, vol.18, no.5, p.547-575

۲. هادی صمدی، «معرفی و نقد نظریه اقتصاد تکاملی و رابطه آن با توسعه اقتصادی»، تحقیقات اقتصادی، ۱۳۷۷، شماره ۵۲، ص ۱۳۷-۱۶۲

3. Nelson

4. Winter

5. Romer

6. Lucas

۷. ابراهیم سوزنچی کاشانی، اقتصاد دانش‌بنیان تأملی در مفاهیم و نظریه‌ها، ص ۶۲-۶۵.

اقتصادی عقلانیت محدود دارند و پیچیدگی نظام اقتصادی باعث می‌شود که تعاملات آنان با نااطمینانی همراه باشد. از این رو، انتخاب‌های افراد به‌جای نشأت گرفتن از بررسی‌های عقلانی جامع، از قوانین ساده سرانگشتی^۱ ناشی می‌شود. اقتصاد تکاملی با گرت‌برداری از تحلیل داروین از سیر تکامل موجودات بدون وجود یک برنامه‌ریز، بسیاری از نهادها و مناسبات اجتماعی انسانی را محصول تکامل خودبه‌خودی در طول زمان می‌داند. در تحلیل‌های اقتصاد تکاملی، منشأ بیشتر تغییرات اقتصادی، ابداع و نوآوری در نظر گرفته می‌شود.

در تحلیل‌های اقتصاد تکاملی بنگاه‌ها به‌مثابه یک اکوسیستم طبیعی و زنده در نظر گرفته می‌شوند که برای ادامه بقا، خود را با محیط تطبیق داده و به سازگاری می‌رسند. زمانی که یک تغییر در شرایط محیط طبیعی ایجاد شود، موجودی زنده و برتر می‌ماند که بتواند یک جهش ژنتیکی (یا یک پاسخ) مناسب به این تغییرات بدهد و دوباره با محیط سازگار شود. در این شرایط هر موجودی که نتواند این سازگاری را برقرار کند، از گردونه حذف می‌شود.

در این تنازع بقا، بنگاه‌ها برای فعالیت‌های روزانه خود واجد رویه‌هایی می‌باشند که از نسلی به نسل دیگر (توارث) منتقل می‌شود. از نظر آنها، واکنش بنگاه‌ها به محیط پیرامونی، یک فعالیت منفعلانه، مشابه ارگانسیم‌های زنده نیست؛ بلکه تلاشی فعالانه برای تطبیق با شرایط است. یافته‌های اقتصاد تکاملی برای تبیین رشد درون‌زا و پیشرفت‌های نوآورانه استفاده شده است. برای توصیف رفتار نوآورانه تولیدکننده، از مدل‌های انطباق ژنتیک در بیولوژی الهام گرفته شده است. در این رویکرد، رقابت‌پذیری همانند یک مسئله تکاملی عمل می‌کند که در آن تولیدکننده یا باید انطباق یابد یا از بین برود. در این دیدگاه، موقعیت بازار و بنگاه‌ها به‌طور دائم در نتیجه نوآوری‌های رقبا تغییر می‌کند.^۲

1. Rule of thumb.

2. (Nelson & Winter, 1982, p. 194); GM Hodgson and T. Knudsen, «Why we need a generalized Darwinism, and why generalized Darwinism is not enough», *J Econ Behav Organ*, 2006, vol.61, no.1, p.1-19; Georgy S. Levit et al., «Can Darwinism be Generalized and of what use would this be?», *J Evol Econ*, 2011, vol.21, no.4, p.545-562.